

نگاهی به فیلم "دو روز دیرتر"؛ یک کمدی رمانتیک تاریخ مصرف گذشته



شناسه خبر: ۱۳۲۹۳۵ جمعه ۱۳ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۷:۲۹

فیلم داستان سهیل و مریم زوجی جوان از طبقه متوسط است که سودای مهاجرت در سر داشته اما مسیر زندگی‌شان با مرگ عمه مریم و ثروتی که به جای گذاشته و البته شرط پدرش غلامحسین، عوض می‌شود.

موج خبر_محمد جلیلود

گونه کمدی که محبوبیت فوق العاده‌ای هم بین مخاطبان سینمای ایران دارد، از زیر شاخه‌های متعدد و متنوعی تشکیل شده که می‌تواند این آثار را از خطر تکرار برهاند. یکی از این زیرمجموعه‌های جذاب که نمونه‌های درخشانی هم در سینمای جهان دارد، کمدی رمانتیک است. شکلی از کمدی که در آن عشق به عنوان یک عنصر مکمل وارد شده و شوخی‌های زیادی بر مبنای آن شکل می‌گیرد. البته سینمای ایران در این زمینه دست چندان پری نداشته و اغلب کمدی سازه‌های آن سراغ فرمول‌های کلیشه‌ای امتحان پس داده می‌روند. (دو روز دیرتر) به کارگردانی اصغر نعیمی که در

نخستین روز جشنواره چهل و دوم برای اهالی رسانه روی پرده رفت، با اندکی اغماض در دسته کم‌دی رمانتیک‌ها قرار می‌گیرد.

فیلم داستان سهیل و مریم زوجی جوان از طبقه متوسط است که سودای مهاجرت در سر داشته اما مسیر زندگی‌شان با مرگ عمه مریم و ثروتی که به جای گذاشته و البته شرط پدرش غلامحسین، عوض می‌شود. دو روز دیرتر شروع خوب و خوش ریتمی دارد که شخصیت‌های اصلی خود را معرفی کرده و سرانجام به یک نقطه عطف ختم می‌شود. تاکید غلامحسین روی فرزنددار شدن این زوج و شرطی که می‌گذارد، موتور حرکت داستان به حساب می‌آید که با مرگ غلامحسین اهمیت بیشتری هم پیدا می‌کند. نویسندگان فیلمنامه دو روز دیرتر به موازات قصه اصلی یک داستان فرعی هم با محوریت مهاجرت تدارک دیده‌اند که به تنه اصلی قصه چسبیده و موانع زیادی را بر سر راه قهرمان فیلم قرار می‌دهد.

در کم‌دی رمانتیک‌ها عمده تمرکز روی رابطه زن و مرد اصلی کار بوده و موفقیت فیلم نیز در گروی کیفیت پرداخت آنها قرار دارد. در اینجا مریم و سهیل به عنوان یک زوج جوان قابلیت نزدیک شدن به تماشاگر و ایجاد حس همذات‌پنداری را دارند اما هر چه فیلم جلوتر می‌رود این حس کمرنگ و کمرنگ‌تر شده و در آخر به بی‌تفاوتی می‌رسد! یک پاشنه آشیل بزرگ برای فیلمی که نیاز بسیار به همذات‌پنداری تماشاگر با قهرمان‌های خود دارد.

در پرداخت شخصیت‌ها نیز ضعف‌های زیادی به چشم می‌خورد که مهمترین آنها وجوه تیپیکال اغلب شخصیت‌ها است. غلامحسین یکی از شاخص‌ترین آنها است که کولاژی از شخصیت‌های بی‌منطق و عصبی کم‌دی‌های دهه قبل سینمای ایران است که می‌خواهد با تکیه بر کلیشه‌های تکراری تماشاگران را بخنداند! سهیل هم وضعیت چندان بهتری نداشته و خنثی بودنش تماشاگر را از خود دور می‌کند. در این بین مریم وضعیت بهتری داشته و تا حدودی گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد. الباقی هم تیپ‌های تخت و تک بعدی‌ای هستند که در دهه‌های مختلف شاهد نمونه‌های شبیه به آن در گونه‌های مختلف سینمای ایران بوده‌ایم.

فیلم‌هایی از جنس کم‌دی رمانتیک نیاز فوق‌العاده‌ای به بازیگرانی دارد که شناخت مناسبی از مولفه‌های آن داشته و با راهنمایی کارگردان و نویسندگان فیلمنامه به دل شخصیت‌ها نفوذ کنند. در دو روز دیرتر تنها پردیس احمدیه تا حدودی این شناخت را داشته و به شخصیت مریم نکاتی اضافه کرده و چند لحظه شیرین را خلق کرده است. در عین حال نباید بازی گرم و باورپذیر محمدرضا داودنژاد را در نقشی کوتاه از یاد برد که به خوبی روی بازی سایر بازیگران فیلم سایه

انداخته است.

نعیمی در تازه‌ترین ساخته سینمایی خود کارگردانی شسته‌رفته‌ای را به نمایش گذاشته و در قاب‌بندی هایش اثری از قاب‌های تلویزیونی نیست. در عین حال فیلم به لحاظ ریتم به ویژه در نیمه نخست مشکلی نداشته و تماشاگرش را خسته نمی‌کند. هر چند که نعیمی در انتخاب بازیگرهایش می‌توانست با وسواس بیشتری رفتار کرده و روی کلیشه‌های امتحان پس‌داده حساب باز نکند. برای مثال هم می‌توان به انتخاب فرهاد آییش در نقش غلامحسین اشاره کرد که سایه‌ای از نقش‌های کمدی قدیمی‌اش به حساب می‌آید.

انتهای پیام/

انتهای پیام/